

اگر کسی مطالعه کند و آنگاه که راجع به این برای اضطراب موضوعیت
پیشنهاد می دهد راجع به این که انسان را به فکر واهی نراند و پاسخ
دوستان که با نقل قول های روشنگر و آثار هنری شگفت انگیز مسلط
شده اند به همان اندازه که متقاعدکننده است زیرا که هم بیان شده
اکتشافی خوانندگی و بالارزش در مورد درس ما از جایگاهمان در جامعه
و اینکه چگونه می توانیم آنرا با انسان را کاهش دهیم

اضطراب موقعیت

«موشمندان و منطقی استناد قوی به این است که ما را وارد دنیا
بیان کنیم چگونه زندگی را به یک لحظه از زمان تبدیل کنیم
دهیم»

آلن دوباتن

ترجمه‌ی سیدحسین رضوی



نشر میلکان

بالکلیه با آنکه این کتاب را کاهش دهیم
در هیچ‌کس به تفکر... دوباتن
فطرتی عالی از آدم است... انگلیس و دیگران
راست‌گفتار کرده است...
مجموعه ۲۰۰۲
۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲

در حالی که اندیشه‌های با ذهن...
پیشنهاد رژیم عملی...
دوستان همیشه...
فلسوفانه با مانند کتاب‌های...
و بازی آرام که به ما یادآوری...
داریم رخ نمی دهند...
بخوانیم جهان را تغییر دهیم

روشنگر...
موضوعی واحد را برتر برده و استناد...
کتاب می کند...
در بازی شرایط انسان ما را...
تایید و تایید...
www.milkanpress.com

بخش اول، علل

فقدان عشق. ۱۳

انتظارات. ۱۸

شایسته سالاری. ۴۵

اشرافی گری. ۶۷

وابستگی. ۷۵

بخش دوم، راه حل

فلسفه. ۹۱

هنر. ۱۰۳

سیاست. ۱۴۲

دین. ۱۷۴

بوهم (رهایی از قید و شرط). ۲۰۷

نگرانی ای بهای که توانایی خراب کردن دوره‌هایی طولانی از زندگی ما را دارد. از این خطر شکست در برابر آرزوهای که جامعه‌مان وضع کرده است و در نتیجه از دست دادن مقام و منزلت خود، نگرانی از این بابت که نکتید در حال حاضر بر روی پلشما بسیار پایین از تردیدان قرار گرفته‌ایم یا حتی نزدیک است که به پله‌ی پایین‌تری هم سقوط کنیم.

این اضطراب با عوامل دیگری چون پسران، تغییر نگرش، پیشرفت بازنشستگی، گشت‌و‌گرد با همکاران هم‌سنه، گزارش‌های روزنامه در مورد افراد برجسته و کسب موفقیت‌های بزرگتر دوستان تشدید می‌شود. بیان و نشان دادن اضطراب ممکن است از

تعاریف

Status: موقعیت

جایگاه فرد در جامعه: این کلمه از ریشه‌ی لاتین *statum* یا ایستاده (قسمت سلوم فعل *stare* به معنی ایستادن) گرفته شده است. در معنایی جزئی‌تر، این کلمه به جایگاه حقوقی یا حرفه‌ای فرد در میان گروه (فرد متأهل، یک وکیل و...) اشاره می‌کند. اما در معنای گسترده‌تر، که در اینجا ارتباط بیشتری هم دارد، به ارزش و اهمیت فرد در جهان اشاره می‌کند. جوامع مختلف موقعیت را به گروه‌های مختلفی بخشیده‌اند: شکارچیان، جنگجویان، خاندان‌های قدیمی، کشیش‌ها، شوالیه‌ها و زنان بارور. از سال ۱۷۷۶ در غرب (قلمروی مبهم اما آشنایی که در اینجا مورد بحث است) موقعیت به طور فزاینده‌ای در ارتباط با دستاوردهای اقتصادی اعطا شده است. نتایج موقعیت برتر خوشایند هستند. این نتایج شامل منابع، آزادی، مکان، راحتی و زمان می‌شود و شاید به اندازه‌ی حس مهم بودن و ارزشمند پنداشته شدن اهمیت دارد. به گونه‌ای که با دعوت‌ها، چاپلوسی‌ها، خنده‌ها (حتی شوخی‌های بی‌مزه) پذیرفته و القا می‌شود.

عده‌ی زیادی گمان می‌کنند (و عده‌ی کمی آزادانه بیان می‌دارند) که موقعیت برتر یکی از عالی‌ترین نعمت‌های زمینی است.

Status Anxiety: اضطراب موقعیت

نگرانی‌ای مهلک که توانایی خراب کردن دوره‌هایی طولانی از زندگی ما را دارد. ترس از خطر شکست در برابر آرمان‌هایی که جامعه‌مان وضع کرده است و در نتیجه از دست دادن مقام و منزلت خود. نگرانی از این بابت که نکنند در حال حاضر بر روی پله‌ی بسیار پایینی از نردبان قرار گرفته‌ایم یا حتی نزدیک است که به پله‌ی پایین‌تری هم سقوط کنیم.

این اضطراب با عوامل دیگری چون پسرفت، تعدیل نیرو، پیشرفت، بازنشستگی، گفت‌وگو با همکاران هم‌صنف، گزارش‌های روزنامه در مورد افراد برجسته و کسب موفقیت‌های بزرگ‌تر دوستان تشدید می‌شود. بیان و نشان دادن اضطراب ممکن است از

نظر اجتماعی بی‌مبالاتی تلقی شود، مانند اعتراف به حسادت (که حسی مرتبط با همین اضطراب است). در نتیجه، شواهد این درگیری درونی روشن نیست و معمولاً محدود می‌شود به نگاه خیره‌ای حاصل از ذهن مشغول، لبخندی شکننده یا مکثی بیش از حد طولانی پس از شنیدن خبر موفقیت دیگران.

اگر جایگاه ما بر روی نردبان موضوع چنین نگرانی‌ای است، به این سبب است که تصویر ما از خود بسیار وابسته به تصویر دیگران از ماست. اگر افراد نادر (سقراط و عیسی مسیح) را کنار بگذاریم، در واقع، ما به نشانه‌های احترام از سوی جهان تکیه می‌کنیم تا بفهمیم که می‌توانیم خودمان را تحمل کنیم. با این حال، متأسفانه، دستیابی به موقعیت سخت و حفظ آن در طول زندگی حتی سخت‌تر است. به جز جوامعی که در آن موقعیت برتر در بدو تولد به ما اعطا می‌شود و خون نجیب‌زادگی در رگ‌هایمان جاری است، جایگاه ما وابسته به چیزی است که می‌توانیم به دست آوریم و ممکن است به خاطر حماقت یا ناآگاهی از خود، اقتصادهای کلان یا بدخواهی دیگران شکست بخوریم. پس از شکست، تحقیر یا پیش خواهد گذاشت: دانستن اینکه نتوانسته‌ایم جهان را از ارزش خودمان باخبر سازیم روحمان را می‌خورد و در نتیجه محکوم می‌شویم که به افراد موفق با تلخی بیندیشیم و به خودمان با شرم بنگریم.

قضیه

یعنی اینکه اضطراب موقعیت دارای ظرفیتی چشمگیر برای القای غم است. عطش رسیدن به موقعیت، مانند دیگر تمایلات فوایدی هم دارد: به ما مهمیز می‌زند که حق استعدادهایمان را ادا کنیم، برتری را تشویق می‌کند، راه ما را در انجام کارهای بی‌قاعده و زیان‌آور می‌بندد و اعضای یک جامعه را حول نظام ارزشی واحدی نگه می‌دارد. اما مانند دیگر تمایلات حجم زیاد آن می‌تواند کشنده باشد. مفیدترین راه‌حل این مسئله تلاش برای درک آن و صحبت در مورد آن است.